



استاد احسان رنجبر عیسی آبادی

آسیب‌های اجتماعی و  
نقش گروه‌های جهادی

# بسم الله الرحمن الرحيم

🏠 سخن دبیرخانه

دبیرخانه جهادگران حوزوی با هدف رصد، ارتقاء، حمایت و ایجاد ارتباط بین گروه‌های جهادی حوزوی از سال ۱۳۹۸ فعالیت خود را آغاز نمود. نظر به تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر ارائه «منظومه معرفتی اسلام» در موضوع خدمت‌رسانی، واحد علمی دبیرخانه خود را موظف به تولید محتوای مورد نیاز در همین راستا نموده است.

اگر مطالب مورد نیاز فعالیتهای جهادی را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کنیم، «کاربرد» متکفل آن بخشی از مطالب است که کاربردی و عملیاتی به حساب می‌آیند و قرار است به مهارت‌های جهادگران بیفزاید.

یکی از معضلات مهم هر جامعه ای پدیدار شدن آسیب های اجتماعی در آن جامعه است که با توجه به ماهیت آسیب های اجتماعی می تواند تمامی افراد آن جامعه را به نوعی درگیر کرده جامعه را از رسیدن به اهداف عالی خود باز دارد؛ چرا که پیشران هر جامعه ای افراد آن جامعه هستند که اگر توانایی های فردی خود را از دست بدهند به تبع، جامعه نیز ضعیف شده، حرکت آن کند و یا متوقف خواهد شد.

با توجه به ماهیت گروه های جهادی که برای رفع مشکلات مردم در جامعه فعالیت می کنند می توان گفت در کنار مشکلات مادی لازم است برای رفع مشکلات اجتماعی آنان نیز تلاش کنند. از طرفی آشنایی با مشکلات و راه حل های آن خود لازمه حل مشکل است. بدین منظور در این نوشتار مختصر به معضلات اجتماعی، منشأ، پیامدها و راه های برخورد با آن پرداخته شده تا اعضای محترم گروه های جهادی در کنار رفع مشکلات مادی مردم به مشکلات اجتماعی آنان نیز توجه کنند و با آگاهی هایی که از قبل کسب کرده اند بتوانند راه حل هایی برای آن به مخاطبان احتمالی خود داشته باشند.

اگر چه رفع مشکلات اجتماعی خود مقوله ای بسیار پیچیده و نیازمند امکانات سخت افزاری و نرم افزاری است، اما آشنایی اجمالی با آن ها و راه حل های ابتدایی آن با عث می شود افراد جهادی در مواجهه ی با موارد و ارائه راهکار دچار حیرت نشوند و راهکار داشته باشند. و همچنین برای ارتقاء سطح معلومات و امکانات خود برای رفع این معضلات تجربه بیشتری کسب کرده، تلاش کنند.

امیدواریم که با نظرات و مخصوصا تجارب ارزنده خود، این مجموعه که برخاسته از تجارب تعدادی از جهادگران است را ارتقاء دهید.



- آسیب‌های اجتماعی، واقعیتها و ریشه‌ها ..... ۵
- نقش دین در حل مساله آسیب‌های اجتماعی ..... ۶
- دین و درک معنای زندگی ..... ۷
- دین و امیدواری ..... ۷
- دین، مایه نشاط و حرکت ..... ۷
- پاسخ دین به احساس تنهایی و افسردگی ..... ۷
- تعادل بخشی دین به شخصیت انسان ..... ۸
- مهمترین آسیب‌های اجتماعی و ریشه‌های آن ..... ۸
- طلاق و علت‌های آن ..... ۸
- مفاسد اخلاقی ..... ۱۱
- فضای مجازی و دامن زدن به آسیب‌های اجتماعی ..... ۱۳
- راهکارهای کاهش آسیب‌های فضای مجازی ..... ۱۴
- اعتیاد، ام‌الفساد و لوکوموتیو آسیب‌های اجتماعی ..... ۱۴
- علت‌های گرایش به اعتیاد ..... ۱۵
- با اعتیاد چه کنیم؟ ..... ۱۸
- یک گزاره همیشه درست: پیشگیری بهتر و آسان‌تر از درمان ..... ۱۸





## آسیب‌های اجتماعی، واقعیتها و ریشه‌ها



آسیب‌های اجتماعی که اعتیاد در رأس آنهاست و لوکوموتیو آسیب‌هاست یا ام الفساد آسیب‌های اجتماعی است. طلاق، مفاسد اخلاقی، فضای مجازی، حاشیه نشینی معمولاً اینها را به عنوان اصلی‌ترین آسیب‌های اجتماعی مطرح می‌کنند ولی ما می‌خواهیم خیلی گذرا و فهرست وار ببینیم از ابتدا واقعیت و ریشه آسیب‌های اجتماعی در ایران چه بوده است.

اول اینکه این آسیب‌های اجتماعی که فعلاً ما داریم چیزی نیست که همین الان به وجود آمده باشد. آسیب‌های اجتماعی از ورود مدرنیته به ایران از زمان قاجار بوده است.

از عصر قاجار که در حقیقت غروب تمدن اسلام بعد از دوره صفوی بوده این تلاقی مدرنیته و سبک زندگی سنتی باعث شد یک وضعیت جدیدی در ایران حاکم شود که در دوره‌های بعد ادامه پیدا کرد. علاوه بر بحث مدرنیته بحث تبعیض و بی‌عدالتی به خصوص در زمان پهلوی که باعث مهاجرت مردم از روستا به شهرها شد یکی از مسائلی است که به عنوان علت و ریشه آسیب‌های اجتماعی باید به آن پرداخت.

در زمان پهلوی هم صاحب مدیریت و نظام برنامه و بودجه ایران آمریکایی‌ها بودند. آمریکایی‌ها در حقیقت برای مدیریت کشور و نظام برنامه و بودجه ما برنامه ریزی می‌کردند. آنها همه کاره بودند و نیرو تربیت کردند که این باعث گسترش شهرنشینی هم شد.

آغاز دوران بعد از انقلاب هم با ترورها و جنگ هشت ساله بود که در حقیقت باعث رونق آسیب‌های اجتماعی شد. وقتی که مردم در جنگ آواره می‌شدند و به حاشیه شهرها و جاهای مختلف پناه می‌آوردند.

جلوتر را که می‌بینیم، بحث تحریم‌های آمریکا که سالها و تا کنون ادامه دارد و ریل گذاری غلط برخی از مسئولین هم هست. مثلاً در دوره سازندگی، تصمیمات و سیاستگذاری‌ها منطبق بر خط مشی‌های بانک جهانی، سیاست‌های جهانی و سازمانهای بین‌المللی بوده است نه بر اساس تفکر انقلابی جهادی اسلامی،

نه بر اساس تفکر و ریل گذاری که حضرت امام می‌خواست. نه آن چیزی که نظام اسلامی باید داشته باشد.

این اتفاق نیفتاد. برخی از مسئولین بلند پایه ما این ریل گذاری را به گونه‌ای دیگر انجام داده‌اند که باعث شد آنچه ما در انقلاب به دنبالش بودیم دیرتر به آن برسیم. به اضافه خیانت بعضی مسئولین که هنوز هم ادامه دارد. و بحث اشرافی گری که از یک زمانی گفتند ما باید این انقلاب را با منش اشرافی، خانه‌های مجلل، لباس‌های مجلل و آنچنانی و به گونه‌ای دیگر به جهانیان نشان دهیم.

در کل بعضی از سیاست گذاری‌ها به علاوه خیانت برخی از مسئولین به نظام، به امام، به رهبری و به شهدا باعث شد آسیب‌های اجتماعی بیشتر شود.

بحث تهاجم فرهنگی که مقام معظم رهبری بارها به آن اشاره فرمود چیز کمی نیست. تهاجم فرهنگی یکی از مسائل بسیار مهم است که از اوایل انقلاب اتفاق افتاد و به خصوص بعد از جنگ نظامی وقتی متوجه شدند از لحاظ نظامی حریف ایران، انقلاب و مردم نمی‌شوند یک جنگ نرم را شروع کردند که مقام معظم رهبری بارها و سالهای متمادی از تهاجم فرهنگی، ناتو فرهنگی و غیره نام می‌برد و بسیاری از مسئولین متأسفانه خواب بودند.

خلاصه ظهور دنیای مجازی در این زمان فعلی به خصوص بعد از شیوع کرونا هم یکی از موارد موثر بوده است. می‌توان گفت یک حکمرانی توسط فضای مجازی اتفاق افتاد و بسیاری از جوانان و نوجوانان گرفتار این فضای مجازی و آن هم بدون هیچ گونه فیلترینگ و بدون هیچ کنترلی شدند و متأسفانه این یکی از عوامل آسیب‌های اجتماعی است. الآن فضای مجازی در بحث طلاقها در بحث مفاسد اخلاقی واقعا رتبه اول را باید بگیرد.

حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله هم از موارد دیگر است که در آن خانه و زندگی مردم خراب می‌شود، یا مصیبت‌ها پدید می‌آید، پدر و مادر از دست می‌روند و مشکلات اقتصادی به مرور زمان به روند آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند.

این ده مورد هستند که به عنوان واقعیت‌ها و ریشه‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران از آنها نام می‌بریم.

## نقش دین در حل مساله آسیب‌های اجتماعی

حال ما از منظر دین می‌خواهیم به آسیب‌های اجتماعی بپردازیم. چرا از منظر دین؟ آیا دین کارایی دارد؟ آیا دین می‌تواند در اینجا اقداماتی بکند؟ و اگر بوده چرا تا الآن اتفاقی نیافتاده است؟ این یکی از سوالات جدی است که باید به آن بپردازیم.

## دین و درک معنای زندگی

اولا ما در خصوص کارکردهای دین باید عرض بکنیم که دین معنا به زندگی انسان می‌دهد. وقتی کسی دین دار باشد، مذهبی باشد، هیأتی باشد، طلبه و مسجدی باشد، آن جوان با جوان دیگر که نسبت به مسجد و هیأت توجهی ندارد مسلما فرق دارد معنای زندگی را این جوان مسجدی بهتر می‌فهمد.

سال ها فکر من این است و همه شب سخنم

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

اینکه جوان مذهبی هیأتی مسجدی می‌داند معنای زندگی چیست می‌داند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت اصلا چرا در این دنیاست و وظیفه‌اش چیست و در این دنیا چه کار باید بکند. اینجاست که هدف از زندگی و معنای زندگی را می‌فهمد و لذا به سمت آسیب‌های اجتماعی نمی‌رود.

وقتی جایگاه خود را بداند که به عنوان خلیفه الله در اینجا است کسی که نماینده خدا در زمین است کسی که اشرف مخلوقات است این آدم وقتی معنای زندگی را بفهمد وقتی ارزشش برای خودش قائل شود طبیعتاً به سمت موارد آسیب و گناه و... نمی‌رود.

## دین و امیدواری

دین در حقیقت انسان را امیدوار می‌کند. دنیا پر از سختی‌ها، یاس‌ها و ناامیدی‌ها، مشکلات و مصائب است. در این سختی‌ها، نگرانی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌ها دین ایجاد امیدواری می‌کند که برای هر کدام از اینها شما آیات، روایات و مثالهای جدی دارید من فقط فهرست وار عرض می‌کنم. مثلا انسان امیدوار، به امید پاداش بهشت مصیبت‌های این دنیا را تحمل می‌کند اگر یک مصیبتی یا شکست و ناکامی در زندگی دید، سریع به سمت آسیب‌های اجتماعی، به سمت مواد مخدر به سمت مفاسد اخلاقی کشیده نمیشود.

## دین، مایه نشاط و حرکت

دین به انسان نشاط می‌دهد. انسان دیندار مسئولیت پذیر و تکلیف‌گراست. در چارچوبی که خدا برای او تعیین کرده حرکت می‌کند خط قرمزها را مراعات می‌کند.

## پاسخ دین به احساس تنهایی و افسردگی

در تنهایی‌ها و انزواها و آنجا که انسان کم می‌آورد به بن بست می‌رسد دین به کمک انسان می‌آید و به این احساس تنهایی و افسردگی پاسخ می‌دهد و در مشکلات و سختی‌ها با توسل و با توکل به خدا مشکلات را حل می‌کند.

## تعالد بخشی دین به شخصیت انسان

کسی که با آموزه‌های دینی زندگی می‌کند اعتقادات راسخی دارد تعادل شخصیت دارد این آدم اصولی را برای خودش چیده است و در تمام وضعیت‌های زندگی متعادل است. سختی‌ها و مشکلات زندگی او را بالا و پایین نمی‌کند و جزع و فزع نمی‌کند آرام است.

در فشارهای روانی که در زندگی برای این انسان اتفاق می‌افتد در مصیبت‌ها و مشکلات زندگی واژه صبر برای او واژه مأنوسی است و می‌داند که این بلا و مصیبت که در زندگی برای او اتفاق افتاده تفسیرهای بلندی بر اساس دین در زندگی دارد و همین باعث می‌شود فرد به زمین نخورد.

خلاصه این موارد از کارکردهای دین است که به همه ما کمک می‌کند گرفتار آسیب‌های اجتماعی نشویم، گرفتار مشکلات نشویم. بسیار دیده شده افرادی که در سختی‌ها و ناملایمات زندگی متأسفانه کم می‌آورند به سراغ مواد مخدر و رفقای ناباب می‌روند. به سمت باتلاق معصیت و گناه و آسیب‌های اجتماعی کشیده می‌شوند. در این زمینه ان شاءالله بیشتر گفتگو خواهیم کرد و به طور خاص به هر کدام از موارد آسیب به یاری خدا خواهیم پرداخت.

## مهمترین آسیب‌های اجتماعی و ریشه‌های آن

### 📍 طلاق و علت‌های آن

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که ما گرفتار آن هستیم در محلات و مناطقی که تبلیغ می‌رویم و مردم ممکن است به ما مراجعه کنند و کمک بخواهند بحث منفورترین حلال یا همان طلاق است.

متأسفانه به خاطر یک سری مسائلی، سبک زندگی‌ها عوض شده، مشکلات دیگری ایجاد شده است باعث شده طلاق در جامعه امروز آمار زیادی را به خود اختصاص دهد. ما به تک تک این آسیب‌ها به طور خاص و خیلی کلی و فهرست وار می‌رسیم و نکاتی را عرض خواهیم کرد.

آن افرادی که نسبت به آموزه‌های دینی و مسائل مذهبی توجه بیشتری دارند کمتر به آسیب‌های اجتماعی دچار می‌شوند. این آماری است که مسئولین هم داده‌اند. خانواده‌های مذهبی پنج برابر کمتر از سایرین به آسیب‌های اجتماعی دچار می‌شوند، چرا؟



به هر حال آن کسی که در خانواده مذهبی است یک خط قرمزهایی دارد یک چارچوبی دارد و خودش را تربیت شده دین می‌داند. حاضر نیست هر حرفی بزند و هر لحظه به خاطر چیز ساده‌ای عصبانی شود و پرخاشگری کند و.... در حقیقت انسان مذهبی سرمایه اجتماعی دارد که وقتی این سرمایه بالا باشد آسیب پایین است. این سرمایه اجتماعی از دین و رفتارهای دینی می‌آید از اینکه امانت دار است و به عهدش وفا می‌کند. که انسان سالم و پاکی است که همه اینها برگرفته از دین است. انسان دین دار سالم است با مردم وفای به عهد دارد و با مردم خوش اخلاقی می‌کند و حسن ظن به مردم دارد و همه اینها رفتارهای دینی هستند.

کسی که سرمایه اجتماعی دارد برای خود ارزش قائل است. حاضر نیست هر کاری بکند در نهج البلاغه مولا علی علیه السلام می‌فرماید: آن کسی که برای خود قدر و منزلت و ارزش قائل است کرامت نفس دارد شهوات در نزد او خوار میشوند<sup>۱</sup>. وقتی انسان کرامت نفسی را که دین به او داده احساس می‌کند و سرمایه اجتماعی بالا می‌رود شهوت نزد او خوار و ذلیل است. دست به هر کاری نمی‌زند هر رفتار ناشایستی را انجام نمی‌دهد به سمت غرقگاه‌های الهی، گناه‌ها نمی‌رود. این آدم وقتی بر اساس تربیت‌های دینی و قرآنی بالا آمد قدم برداشتن او، حرف زدن او، نگاه کردن او، دوست یابی این آدم، تشکیل خانواده این آدم و تربیت فرزند یک رعایت‌هایی دارد.

طبیعتاً علت بعضی طلاق‌ها این بوده که از ابتدا آن ازدواج اشتباه بوده است. فرهنگ‌ها به هم نمی‌خورده است، روحیه‌ها و رفتارهای آنها، عقائد و اعتقادات آنها با هم همخوانی نداشته است. وقتی وارد زندگی شدند دیدند با هم چه مشکلات زیادی دارند.

چهل درصد از طلاق‌های ثبت شده گفته می‌شود در پنج سال اول زندگی رخ می‌دهد. چون تازه به روحیات هم پی می‌برند، به مشکلاتی که فرصت داشتند در مورد آن گفتگو و تحقیق کنند اما نکردند. مشاوران خانواده هم این موضوع را گفته‌اند.

به جز این آماری که در مورد طلاق می‌گویند، اینکه چند درصد در بعضی از شهرها و استانها طلاق بالاتر است و در بعضی پایین‌تر است مثلاً در کرج یا در شمیران تهران، جالب است آنجا که بالای شهر است و متمول‌تر هستند طلاق بالاتر است. یعنی می‌توانیم بگوییم این طلاق علتش فقر و نداری نیست. بحث سبک زندگی است. سبک زندگی اشتباه است که منجر به طلاق می‌شود.

مشاوران خانواده می‌گویند جدا از طلاق قطعی که ثبت می‌شود یک درصدی از زوجین مبتلا به طلاق عاطفی هستند. من زیاد مشاوره داشتم با این افرادی که گرفتار طلاق عاطفی هستند یعنی ده سال پانزده سال با این آدم زندگی می‌کند و با این آدم قهر است. ضربه آن را بچه‌ها می‌خورند. زندگی متزلزل می‌شود.

<sup>۱</sup> قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ. حکمت ۴۴۹.

اگر بخواهیم به مهمترین دلایل طلاق بر طبق پیمایش‌هایی که انجام شده بپردازیم در رأس آن اعتیاد است. بعد مسائل جنسی است. سبک زندگی‌های غلط است. سبک زندگی غربی و اینکه اینها رها هستند و گرفتار لذتها و شهوات می‌شوند. طبیعتاً انسانی که کرامت نفس برای خود قائل نباشد درگیر شهوات و لذتها می‌شود و به راحتی به پرخاشگری می‌رسد به راحتی طلاق عاطفی اتفاق می‌افتد و بعد هم طلاق رسمی پیش می‌آید.

زوجین در ارتباط با هم مهارت ندارند، گفتگو کردن چگونه باید باشد. همه موارد زندگی، چه مواردی را به هم بگویند یا به هم نگویند. چگونه با هم و با اقوام و خویشان ارتباط بگیرند. در مسافرت‌ها، در سبک پوشش، در خرج و مخارج، شغل، اینکه چگونه باشند و... که این یک سبک زندگی است.

اگر انسان دین دار باشد برای او سبک زندگی انسان دین دار مشخص است و تا آخر هم مشخص است. از زمانی که به دنیا می‌آید و در گهواره است تا کم بزرگ می‌شود نوجوان و جوان می‌شود تا زمانی که نماز میت او را می‌خوانند دین برای او حرف دارد. دین برای او برنامه دارد.

کسی که با برنامه دین که برنامه خداست جلو می‌رود طبیعتاً گرفتار این مشکلات نباید بشود. اگر انسان دینداری گرفتار این مشکلات شد یک جایی از کار او می‌لنگد. یک جایی از دین کم گذاشته از تربیت دینی و قرآنی کم گذاشته است.

خلاصه اعتیاد، مسائل جنسی، سبک زندگی غلط، تعارضات فکری و فرهنگی که میان زوجین دارند و بیکاری و فقر که به خصوص در این زمان فعلی و بعد از کرونا طبیعتاً بیشتر شده است. بحث شغل وضعیت بفرنجی پیدا کرده است و مردم گاهی به سمت بیکاری و ورشکستگی رفتند و این باعث طلاق و یا حداقل طلاقهای عاطفی شده است.

بحث خیانت، توقعات غیر منطقی از همدیگر، بد اخلاقی یکی از زوجین، دخالت منفی دیگران در زندگی آنها؛ اینها دلائلی است که به ترتیب علل گرایش به طلاق است. که تنها در کشور ما نیست در کشورهای دیگر خیلی بالاتر است مثلاً در انگلیس از هر ازدواج سه تای آن به طلاق منجر می‌شود و علت آن همان سبک زندگی است. وقتی مبنای سبک زندگی فقط لذت باشد این اتفاقات می‌افتد. در کشور ما هم هست و فکر نمی‌کنند زندگی سختی و بالا و پایین و مشکلات دارد، خوشی و ناخوشی دارد. خودشان را آماده نکرده‌اند مدام به دنبال لذتها هستند وقتی به یک ناخوشی، مصیبتی و مشکلی می‌رسند یا به امتحان الهی می‌رسند کم می‌آورند.

خلاصه اینکه این سبک زندگی‌های غلط به خانواده‌های ایرانی سرایت کرده و متأسفانه باید بگویم یکی از راههای نفوذش باز یگرها هستند که تلوزیون از آنها به عنوان الگو استفاده و معرفی می‌کند و محبوبیت ایجاد می‌کنند و این آدم الگوی جوان ما شناخته می‌شود. آدمی که سه، چهار، پنج زن را طلاق داده است الگوی جوان ما نیست که متأسفانه صدا و سیما در این موضوع کم می‌گذارد. اتفاقاً حضرت آقا در جلساتی

که داشتند به این موضوع پرداختند. می‌فرمودند صدا و سیما گاهی خودش آسیب می‌آفریند. طبیعتاً یکی از این آسیب‌ها همین مساله است که افرادی را الگو معرفی می‌کنند که از پس زندگی خودش هم بر نمی‌آید.

در پیمایش‌ها طبق مصاحبه‌هایی که انجام شده معاون وزیر کشور به دو مورد در بحث پیشگیری از آسیب‌ها و طلاق رسیدند. یکی خانواده و یکی دین داری. خانواده‌ای که متزلزل نباشد خانواده سالم، خانواده مؤمن. این دو مساله خیلی به انسان کمک میکند که گرفتار اینجور مشکلات و مسائل نشود.

تقریباً یک سوم زنان مطلقه گرفتار مفاسد اخلاقی می‌شوند که علل مختلفی دارد. دین داری در خانواده در پیشگیری موثر است. مهارت‌های دینی در مدرسه، دانشگاه، صداوسیما و آموزش و پرورش باید جدی گرفته شود. آموزه‌های دینی است که می‌تواند مردم را نجات دهد. می‌تواند مردم را کمک کند و در بحث بازیابی هویت آنها کمک کند. افرادی که هویتشان را از دست داده‌اند. بحث هویت زن به خصوص در مدرسه، در دانشگاه در صدا و سیما، باید این منزلت زن که فردا قرار است مادر و ستون خانواده شود و فرزند تربیت بکند به طور خاص پرداخته شود.

طلبه‌ای از مسجد آیت الله بهجت بیرون می‌آمده که آیت الله بهجت به او فرمودند که به همسایه ات رسیدگی و کمک بکن. گفت من نگاه کردم که من طلبه هستم و چیزی ندارم چطور می‌توانم به او کمک کنم؟ منظور آقا چیه؟ گفت در این فکر بودم که وقتی به خانه رفتم دیدم همسایه ما با هم دعوایشان شده است و از من کمک خواستند. من رفتم وساطت کردم صحبت کردم نصیحت کردم و اتفاقاً جواب داد و رابطه آنها با هم خوب شد. فهمیدم که کمک به همسایه فقط کمک مالی نیست. اینجور کمک‌ها را هم ما می‌توانیم داشته باشیم به خصوص ما به عنوان مبلغ می‌توانیم در این عرصه‌ها وارد شویم و ان شاءالله نتایج خوبی بگیریم.

## 💧 مفاسد اخلاقی

بحث آسیب‌های اجتماعی یکی از مباحث مهمی است که مقام معظم رهبری در جلسه‌ای که با سران نظام داشته‌اند فرموده‌اند بزرگترین خطری است که کشور و نظام را تهدید می‌کند. اگر بعضی از کارهایی که مورد نظر این جلسه است از نان شب مهمتر نباشد کمتر از آن نیست. آسیب‌های اجتماعی را با این نگاه، نگاه کنید که اولاً بزرگترین خطر است برای کشور ثانیاً بزرگترین غم است برای یک مسئول متعهد. ما مردم را باید آینه خود بدانیم ما باید به مسائل آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور جوری نگاه کنیم که اگر آن آسیب در خانواده خود ما بود آنجور نگاه می‌کردیم.

اگر بنده یک بچه معتاد داشته باشم چه حالی دارم؟ اگر کسی در خانه دختر فراری داشته باشد چه حالی دارد؟ اگر این دختر از خانه دیگری هم فرار کرد باید این احساس را به خودمان تلقین کنیم ولو

اینکه طبیعتاً نداشته باشیم. ما مثل دولت‌ها و حکومت‌های مادی دنیا نیستیم که به فکر حکومت خودمان و راحتی خودمان باشیم و مردم هرچه شدند، شدند ما آمدیم که مردم را به آسایش مادی و معنوی برسانیم.

اینها بعضی از نکاتی است که حضرت آقا فرمودند و بسیار ارزشمند است. وقتی سبک زندگی‌ها عوض می‌شود مردم گرفتار این آسیب‌ها می‌شوند.

مفاسد اخلاقی که شاید در زمان فعلی یکی از منشأهای اصلی آن فضای مجازی و اینترنت است متأسفانه الآن خیلی زیاد شده است. مصادیق مفاسد اخلاقی را خود فروشی یا روسپی‌گری، ازدواج سفید، هم‌جنس‌گرایی، چشم‌چرانی، پورنوگرافی، تجاوز، وساطت جنسی و خیلی الفاظ دیگری که الآن متأسفانه متداول است و جامعه گرفتار اینها شده است که همه سوغات غرب است.

می‌گویند قاچاق زنان بعد از قاچاق اسلحه و مواد مخدر سومین قاچاق پر درآمد در دنیا است. با تاسف باید گفت سوداگران صنعت غیر اخلاقی پورنوگرافی در اینترنت بیش از شرکت‌های بزرگی مثل اپل، گوگل و مایکروسافت و... سودآوری دارند و هشت درصد از تجارت اینترنتی در آمریکا مربوط به تجارت پورن است. بر اساس گزارش پژوهش ملی آمریکا بیش از چهل هزار سایت مستقل تولید و نشر محتوای پورن وجود دارد که از آنها پول در می‌آورند و متأسفانه فرهنگ غلط خود را به مردم جهان غالب می‌کنند.

ما اگر اینجور افراد را در محله داشته باشیم چه باید بکنیم؟

طبیعتاً یک کار اینست که با مردم و بزرگترها با کمک و خدمت و... این شخص را سمت توبه بکشانیم و مشکلش را بر طرف کنیم. شاید مشکل مالی یا فقر و بچه دارد که گاهی با خدمتی، با بسته معیشتی، یا شغلی موقتی ایجاد کنیم حل شود.

ولی اگر با این کمک‌ها حل نشد طبیعتاً باید مطالبه‌گری جدی شود و آن شخص نسبت به این مساله کنترل شود و حتی اگر رعایت نکرد از محله برود. یعنی مردم مطالبه‌گری کنند.

زنی که دچار مفاسد اخلاقی شد قطعاً خیلی بدتر از معتاد و هزاران معتاد در محله هست. معتاد می‌تواند دیگری را معتاد کند اما یک زن می‌تواند چندین نفر را به قعر جهنم بکشد. گرچه هر دو آسیب است و نباید باشند اما یک زن فاسد قطعاً بدتر از یک معتاد متجاهر است. در فضای مجازی هم همین وضعیت است که می‌توان گفت بیشتر این مفاسد اخلاقی از فضای مجازی خط می‌گیرند. مثل اینستاگرام، نرم افزارها، شبکه‌ها و گروه‌ها و کانال‌هایی که مردم عضو آنها هستند. مساله کرونا هم باعث شده دانش آموزان ابتدایی در این فضای باتلاقی وارد شده‌اند و هر آن امکان کشیده شدن آنها به پایین هست. مثل اینکه کنار دریا شنا می‌کنی و کنار ساحل حفره دارد و بچه را به پایین می‌کشد. متأسفانه بعضی گرفتار

شده‌اند و شاید خبردار شده‌اید والدینی تماس می‌گیرند که بچه ما کلاس چهارم یا پنجم ابتدایی است و گرفتار این مسائل شده است.

## 💧 فضای مجازی و دامن زدن به آسیب‌های اجتماعی

طی دهه اخیر فن‌آوری‌های نوظهور ارتباطی و اطلاعاتی و کلاً فضای مجازی با یکسری قابلیت‌های وسیع و مبهوت‌کننده‌ای در دست مردم و نوجوانان قرار گرفت و به سرعت رشد کرد. مشترکان اینترنت پرسرعت از سال ۹۵ رشد هشت برابری پیدا کرده است و به ۴۳ میلیون مشترک رسیده است طبق آمار ۱۶۰ میلیون سیم‌کارت به مردم واگذار شده و الآن شاید نزدیک به شاید ۲۰۰ میلیون سیم‌کارت در اختیار مردم است.

از مجموع ۱۶۲ هزار روستا تقریباً ۲۸ هزار روستا به اینترنت متصل شده‌اند که از یک طرف خوب است که یک سری مشکلات مردم حل می‌شود به خصوص روستا که نیازی به حضور در شهر نباشد و گرفتار یک سری مشکلات دیگر نشوند اما از طرف دیگر انگار در لبه شمشیر راه می‌رویم. در لبه تیغی هستیم که هر آن ممکن است لغزش کنیم و متأسفانه خیلی‌ها لغزیدند و بعضی از خانواده‌ها دچار مشکلات عدیده‌ای شدند. قطعاً دشمن ساکت نمی‌نشیند. فکر نکنید که ما توهم توطئه داریم.

به مردم هم نگویید که مثلاً ما توهم توطئه داریم که زندگی مردم از طریق فضای مجازی و اینترنت پرسرعت آسانتر شده است مردم به آرامش و آسایش بیشتری رسیده‌اند.

شاید به آسایش رسیده‌اند بلکه قبول دارم. اینکه لازم نیست کسی تا بانک برود و همه کارهایش را با اینترنت و با یک گوشی درخانه انجام می‌دهد خوب است آسایش است ولی آیا در دراز مدت آرامش هم به دنبال دارد؟ چرا بعضی زنها تماس می‌گیرند و می‌گویند شوهر ما گوشی دیگری دارد یا رمز گوشیش را به ما نمی‌دهد یا پیامهای مشکوکی دارد و گاهی برای این خانم‌ها مسائلی پیش می‌آید.

اینها مسائلی است که داریم می‌بینیم. به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند که بچه‌های ما گرفتار شده‌اند. بچه دختر بچه کلاس ششم یا هفتم عاشق شده است و می‌گوید عاشق فلان بازیگر شدم و در اینستا چک کردم و عکس‌های خانوادگی او را دیده‌ام و الآن تماس گرفته‌ام که چکار کنم؟ این حفره‌ای است که آنها را به پایین می‌کشد. اگر سواد رسانه‌ای نباشد همین می‌شود اگر آموزه‌های دینی نباشد این اتفاقات می‌افتد و دشمن هم ساکت ننشسته و محتوا تولید می‌کند. این فرصت را غنیمت می‌شمارد و برایش طلایی است.

بسیاری از خانواده‌ها اینگونه به پایین کشیده شدند بیچاره و متزلزل شدند و به طلاق کشیده شدند. دعوای، مشاجره‌ها و خیانت‌ها اتفاق افتاده است. تحت عنوان دوستی، مشورت، مشاوره به هر کانالی مراجعه می‌کنند. به هر کسی اعتماد می‌کنند. حتی برای خرید که به بازار می‌رود گرفتار می‌شود.

اگر همه جا خط قرمزهای دین رعایت شود چارچوب رعایت شود حلال و حرام رعایت شود خیلی هم خوب است که انسان شبکه‌های مجازی را داشته باشد کار و تجارت بکند باید هم استفاده شود اما باید سواد رسانه‌ای و تقوا باشد.

## راهکارهای کاهش آسیب‌های فضای مجازی

این که صیانت از فضای مجازی شود. حضرت آقا می‌فرماید باید کنترل بشود. کشورهای دیگر هم این را دارند - اسرائیل که از نظر ما کشور نیست و رژیمی است که در بعضی موارد پیش رفته است - در آمریکا، انگلیس در خیلی از جاهای دیگر این فیلترها وجود دارد. اما متأسفانه در کشور ما اینترنت پر سرعت در اختیار دختر بچه‌ها و پسر بچه‌هاست. اینها ولو اشتباهی و نا آگاه و چیزی را سرچ می‌کنند و متأسفانه به چه جاهایی که کشانده نمی‌شوند.

در صیانت از این فضای مجازی شبکه ملی اطلاعات باید اتفاق بیافتد ما باید گفتمان آن را ایجاد کنیم اگر همه ما بگوییم قطعاً تأثیر دارد. همین طور وضع قوانین دقیق که با مطالبه‌گری اتفاق می‌افتد.

تولید محتواهای جذاب نیز همین طور اثرگذار است. ما طلبه‌ها چرا در این زمینه ورود نداریم و در فضای مجازی، کانالها و گروهها اقدام نمی‌کنیم؟ و راه دیگر افزایش سواد رسانه‌ای مردم.

این اتفاقات، کارها، این مطالبه‌گری‌ها، وضع قوانین باید انجام شود که مردم دچار نشوند. گاهی یک گوشی دو سه میلیونی در عرض شش ماه یک خانواده را متزلزل می‌کند. فرد در یک گروهی وارد شده و حرف‌هایی راجع به عرفانهای کاذب دیده است، مسائل غیر اخلاقی دیده است، مسائل سیاسی نادرست می‌بیند. در فضای مجازی به این شکل جوانان را می‌کشانند، می‌برند، واقعا می‌بلعند.

به اسم درس و تدریس و زبان، بچه‌ها وارد این فضا می‌شوند و می‌بینیم به مرور زمان آنها گرفتار چه وضعیتی شده‌اند. اینها باید مطالبه‌گری شود. اینها باید به مردم رسانده شود. سواد رسانه‌ای باید در اختیار مردم قرار داده شود. سایت‌ها، کانال‌ها، آنهایی که واقعا خوب هستند و کار کرده‌اند را به مردم معرفی کنیم. نسبت به تربیت فرزند الان چه گروهها و کانال‌هایی به خصوص از دوستان طلبه هستند که انصافاً خوب کار کردند و تربیت درست را یاد می‌دهند. اینها را به مردم برسانیم

حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس در بند آن نباش که شنود یا نشنود

## اعتیاد، ام‌الفساد و پیشران آسیب‌های اجتماعی

هر کدام از این موارد آسیب‌های اجتماعی طلاق، مفسد اخلاقی، قتل، شرارت، خشونت را که بررسی می‌کنید، می‌بینید مستقیم و غیر مستقیم به اعتیاد ارتباط دارد. شصت تا شصت و پنج درصد زندانیان

مستقیم و غیر مستقیم با اعتیاد ارتباط دارند و همان سبک زندگی غلط است که بعضی دارند و منجر به اعتیاد می‌شود.

ما کارکردهای دین را گفتیم اگر کسی توجه نسبت به دین و کارکردهای دین داشته باشد گرفتار این آسیب‌ها نمی‌شود. اما عده‌ای به این سمت وسو می‌آیند.

## علت‌های گرایش به اعتیاد

عوامل گرایش به مواد مخدر چند مورد است:

- ▲ عوامل شخصی مثل عقاید سست، کنجکاوی، لذت طلبی، باورهای مثبت به مواد مخدر، عدم تاب آوری، پوچ‌گرایی
- ▲ عوامل مربوط به همسالان، نگرش مثبت به مواد مخدر
- ▲ عوامل خانوادگی، فقر فرهنگی، لقمه حرام، بی‌توجهی به تربیت، بی‌اعتنایی به اعتقادات و مذهب، تبعیض در خانواده و...
- ▲ عوامل اجتماعی یا همان محیط، در دسترس بودن مواد، تهاجم فرهنگی و قانون‌های بی‌تأثیر مثل اینکه اعدام را برداشته‌اند. که یکی از قوانین بی‌تأثیر است که اتفاقاً کشفیات بیشتر شده است.

در کل اگر بخواهیم به علل گرایش به مواد مخدر بپردازیم و بدانیم چه می‌شود که یک جوان گرفتار مواد مخدر می‌شود، شاید لذت‌طلبی در رأس آنها باشد که می‌گویند من یکبار مصرف کردم و لذت بردم. گاهی برای فرار از درد و رنج و مصیبت است. مشکلات روزگار، بدبختی‌ها و گرفتاری‌ها به او فشار آورده مصرف می‌کند و به قول خودش در ابرهای صورتی راه می‌رود. چون من ارتباط زیادی با آنها داشته‌ام این حرفها را به من زده‌اند در حقیقت از خود آنها شنیده‌ام و با آنها زندگی کرده‌ام و می‌دانم شخصیت یک معتاد چیست و به شما خواهیم گفت ما چطور از آنها می‌توانیم استفاده کنیم.

خلاصه اینکه باید تعدیل کرد باید این لذت را مدیریت کرد و لذتهای پایدار را به این اشخاص بشناسانیم. اگر پدر و مادر از ابتدا فرزند را مدام به سمت لذتها برده و هر چه خواست برای او فراهم کردند و فرزند تربیت شد که هر چه خواست سریع به آن رسید مسلماً وقتی در جوانی با رفقا نشست و شنید که چیزی هست که لذت دارد چون تجربه کرده و همه آنچه خواسته بهشان رسیده است به راحتی به سمت مواد می‌رود و کاری با نه گفتن ندارد. اصلاً این‌طور تربیت شده که به لذتها نه نگوید. می‌گوید بیاورید و بهترین آن را هم بیاورید.

دین راهکارهایی دارد که واقعیت زودگذر بودن و تبعات ناخوشایند بسیاری از لذتها را به انسان نشان می‌دهد و آنها را کمتر می‌کند. کمک می‌کند به کنترل آنها. مواردی مثل زهد، فانی بودن دنیا و یاد مرگ. حضرت علی علیه السلام فرمود: «یاد مرگ در هم کوبنده لذات است. هشدار باد بر شما به یاد بیاورید آن لذتهای زود گذر و تبعات آن را» لذتهای زود گذری مثل مواد مخدر، زنا و گناهانی که بعضی جوانان در گیر آن هستند.

یک معتادی را ببینید به خاطر کنجکاوی، برای یک لذت‌طلبی چندبار مصرف کرده و خود را در باتلاقی انداخته که دیگر نمی‌تواند بیرون بیاید و دارد خفه می‌شود.

بحث نارضایتی از زندگی که متأسفانه امروزه زیاد است و گاهی پدر مادرها باعث آن هستند. پدر و مادر سر سفره در حضور بچه‌ای که هنوز درک درستی از زندگی ندارد می‌گویند ما از همان روز اول بدبخت بودیم، خدا ما را بیچاره کرد، خدا به ما هیچ چیزی نداد و مدام دوندگی می‌کنیم و هیچ چیزی نصیبمان نمی‌شود و آن را به خدا نسبت می‌دهند. این پدر و مادر هرچه به فرزند بگویند خدا مهربان است بچه باور نمی‌کند. با خود فکر می‌کند که پدرم گفته خدا به همسایه ما ماشین گران قیمت داده و به ما نداده است، به دیگری ویلای آنچنانی داده و به ما نداده است. کسی که پدرم برای او مشق می‌نوشت رییس شده و خدا این‌طور کرده است. طبیعتاً این بچه می‌گوید باسمه تعالی خدا ظالم است.

ما خودمان بچه را تربیت معتادگونه می‌کنیم. وقتی نسبت به خدا امیدوار نباشد و نسبت به خدا سوء ظن پیدا کند وقتی جلوتر می‌آید خدا در زندگی او نیست. وقتی خدا در قلب او نباشد، خدا محبت غیر خودش را به او می‌چشاند.

در کل این نارضایتی راهکارش خیر باوری است، تنظیم و مدیریت انتظارات و توقعات و آرزوهاست. ما گاهی آرزوهای بلند به بچه‌های خود می‌دهیم. خودمان آرزو سازی می‌کنیم ما لذت سازی و لذت سوزی برای آنها می‌کنیم. به بچه‌ای که از ابتدایی تا الان نمره خوب نداشته به او می‌گوییم باید دکتر بشوی، مهندس بشوی، در کنکور رتبه یک رقیمی بشوی. انتظارات بیجا که هم ما می‌دانیم و هم بچه می‌داند که به اینجا نخواهد رسید مسلماً برای او یک شکست است. مجبور است زمانی که دوستش فلان قرص را به او معرفی می‌کند (تا خوابت کم شود، تا تمرکز داشته باشی و درس بخوانی و قبول شوی) سریع گرایش پیدا می‌کند. وقتی در کنکور شرکت می‌کند و قبول نمی‌شود مسلماً این سرخوردگی و شکست باعث می‌شود کسی که موادی به او تعارف کند به مواد رو آورد و به راحتی در دام اعتیاد بیفتد.

نابرداری، عدم تحمل سختی‌ها و ناکامی‌ها وجود دارد. آیا باید به بچه‌ها بگوییم این دنیا میدان مسابقه است؟ انتظارمان از دنیا چیست؟ نگرشمان به بلا و مصیبت، شکست و ناکامی چیست؟ ما در این دنیا آمده‌ایم که چه کار کنیم؟ آیا مدام خودمان را با دیگران مقایسه کنیم؟ وقتی پدر و مادر از ابتدا اینها را به بچه‌هایشان بگویند.



« وَيَلُّ لَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ » از پیامبر پرسید وای بر پدر و مادر مشرکشان، کافرشان « فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ » تازه بعضی از والدین از فرائض چیزی به بچه‌هایشان یاد نمی‌دهند. حتی اگر بخواهند یاد بگیرند، «منعوه!» منعشان می‌کنند! پیغمبر فرمود « فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ »<sup>۱</sup> من از آنها بیزارم و آنها از من بیزارند.

توجه داشته باشید وقتی تربیت قرآنی نباشد، به سمت آموزه‌های دینی نباشد مسلماً به سمت اعتیاد و بعدها طلاق و مفاسد اخلاقی و جنسی می‌افتد.

ناسپاسی و این که خانواده‌ها مدام نیمه خالی لیوان، محرومیت‌ها و کاستی‌ها را می‌بینند متأسفانه مسلم است که این بچه، به چه سمت و سویی کشیده می‌شود. باید از غنی و فقر تفسیر درستی برای بچه‌ها داشته باشیم. در مقایسه‌ها، داشته‌های معنوی را مرتب به بچه‌ها یاد بدهیم. این داشته‌ها، خلاقیت، معنویت باید نشان داده شود. آینه‌ای جلوی بچه بگذاریم و داشته‌های معنوی را برایش بزرگ کنیم و نشانش دهیم که اگر در داشته‌های مادی کمبودی داشت باعث تحقیر و سرشکستگی او نشود.

خلاصه اینکه مردم در بعضی خانواده‌ها زیاده خواه هستند و هر چه به آنها می‌دهند قانع نمی‌شوند جالب است در بحث رزق و روزی گاهی یک بیت شعر چقدر اثر بخش است مثلاً در پشت بعضی نیاانها نوشته:

کین لقمه بود مال فلان بن فلان

بر سر هر لقمه بنوشته عیان

یا

این امانت بهر روزی دست ماست

در حقیقت مالک اصلی خداست

خلاصه بحث قانع نبودن که در خانواده‌ها شنیده می‌شود قناعتی و جود ندارد. بعضی‌ها را حرص و طمع و مقایسه‌ها بیچاره کرده است. فرصت باز کردن این موارد نیست اما اینها گذاره‌های دینی هستند که خود شما می‌توانید راهکارهایی خوبی برایشان پیدا بکنید.

بحث ناخویشتن داری خیلی مهم است و متأسفانه بعضی جوانان پوچ‌گرا هستند، کرامت نفس ندارند، خود تحقیری دارند، اصلاً خودش را ناچیز و بیچاره و بدبخت می‌بینند. چون در مادیات مقایسه می‌کند و می‌بینیم این آدم کم کم گرایش به چیزهای دیگری پیدا کرده معتاد شده گرفتار به مسائل غیر اخلاقی شده. چرا؟ چون ارزش برای خودش قائل نیست با هر کسی می‌رود، سر هر سفره‌ای می‌نشیند، با هر کسی دوست می‌شود و عبرت نمی‌گیرد.

<sup>۱</sup>. جامع الأخبار، جلد ۱، صفحه ۱۰۶

## با اعتیاد چه کنیم؟

راهکارهای مختلفی در این حوزه است. ما در مرحله‌هایی که کار می‌کنیم معتاد به ما رجوع می‌کند چه کار کنیم؟

الآن انواع درمانها، کمپ‌های ترک اعتیاد ماده پانزده و شانزده هست که تمایلی و اجباری است. آن معتاد متجاهری که رفتار خشونت آمیز دارد، خانواده را اذیت می‌کند، دزدی و چاقو کشی می‌کند ممکن است خودکشی و خودزنی داشته باشد باید به کمپ اجباری برود. آن کسی که تمایل دارد یا می‌توانیم در او تمایل ایجاد کنیم به کمپ ماده پانزده یعنی تمایلی برود. بله وضعیت کمپ‌ها متأسفانه اصلاً خوب نیست در کشور ما نزدیک به ۱۴۰۰ کمپ داریم که هیچ کدام مورد تایید نیست چون معتادان بهبود یافته مسؤول آنها هستند نظارتی وجود ندارد. در mmt (متادون درمانی) که برای پزشکان است آنجا هم بازرسی وجود ندارد یا خیلی کم است اینها که می‌گوییم همه را با اطلاع دقیق عرض می‌کنم.

متأسفانه وضع موجود ما این است یا باید به کمپ بفرستیم یا متادون درمانی پیش پزشک بفرستیم که آنها گاهی گرفتار متادون می‌شوند که آن کاهش آسیب است. بله اگر کسی شیشه و هروئین مصرف می‌کند و الگوی مصرفش را به پایین برساند و متادون مصرف کند خوب است اما این اتفاق نمی‌افتد یعنی هم متادون می‌کشد و هم مواد دیگری را مصرف می‌کند.

کنگره ۶۰، NA، عطاری‌ها و خیلی از چیزهای دیگر مثل بحث تصفیه خون در بیمارستانها، انواع و اقسام درمانهایی است که وجود دارد.

## یک گزاره همیشه درست: پیشگیری بهتر و

### آسان تر از درمان

منتها ما باید تمرکزمان را در پیشگیری داشته باشیم. همین گزاره‌هایی که گفتم، همین بحث تربیت فرزند، اینکه ما نسبت به لذت جویی و نارضایتی و ناسپاسی، زیاده خواهی و ناخوشتن داری همین‌ها را رعایت کنیم اینها در حقیقت مهارت‌های دینی است.

مدام می‌گویند مهارت‌های زندگی، مهارت نه گفتن. حرف من این است که مهارت‌های دینی و آموزه‌های دینی است که نجات می‌دهد. پدران ما، شهدا، بزرگان و همه کسانی که سنی از آنها گذشته است پاک مانده‌اند سالم‌اند و زندگی‌های بسیار خوبی دارند. چه شد که سالم و پاک ماندند؟ آیا آنها مهارت‌های زندگی و دوره‌های روانشناسی و پیشگیری از اعتیاد را دیده‌اند که گرفتار نشدند؟

آموزه‌های دینی، مسجد، هیأت، کانون آنها را تربیت کرد. اینها مسائل مهمی است که ما به عنوان طلبه و گروه‌های جهادی باید این مهارت‌های زندگی، مهارت‌های دینی و آموزه‌های دینی را به مردم نشان دهیم تا گرفتار این مسائل نشوند.



دست‌رسی به نسخه الکترونیک  
و سایر تولیدات جهادگران حوزوی

جهادگران حوزوی | راه‌های | ارتباطی | مجموعه

قم، بلوار محمد امین عَلَيْهِ السَّلَام، مدرسه علمیه معصومیه عَلَيْهِمُ السَّلَام،  
دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

• ۲ ۵ ۳ ۲ ۹ ۴ ۲ ۱ ۱ •

www.jahadgaranhowsavi.com